

A Jurisprudential and Legal Feasibility Study on Granting the Right to Change a Defective Good to the Buyer with Emphasis on Imam Khomeini's Viewpoints

Mostafa Sadeghi Nejad Parizi¹


DOI:10.22034 /MATIN.2024.194885.1471

Abstract

Research Paper

The right to replace defective goods is the right that is granted to a buyer with the presupposition that the commodity is defective in order to oblige the seller to replace the defective goods with a proper one. In this article, while explaining the definition of the replacement right and distinguishing it from the right to return and repair defective goods, the advantages and bases of the replacement right, its scope and status in jurisprudence and law have been studied with an emphasis on the viewpoints of Imam Khomeini. In this article, it is argued, since the right to replacement has a wider scope than other compensation methods, in addition to satisfying the customer, facilitates and accelerates the buyer's access to proper goods and reduces the costs. Moreover, the granting of this right is in accordance with the protective laws as well as relying on Article 10 of the Civil Code it is also accessible through guarantee contracts envisaged in the contract or stipulation of different obligations. In Islamic jurisprudence, this right is also accepted as the right of replacement (Hagh-e-Ebdal (in the case of overall defective goods, although in the case of specific goods, relying on principle of due fulfillment of contractual obligations, the assumption of the possibility of replacement of defective goods is defensible. Based on the above argument, the authority of the judge in choosing the method of compensation and issuing a verdict for obligatory replacement of goods, according to Article 3 of the Civil Liability Law, commercial practice, the rational way of society and the need to establish an economic balance in the contract, greatly strengthens the existence of the right to replacement.

Keywords: Right to change, specific good, defective goods, consumer, Imamiyah jurisprudence, Iran's law.

1. PhD (Private Law), Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), Email: Legalparizi@gmail.com,  0009-0002-9445-3301

امکان سنجی فقهی و حقوقی اعطای حق تعویض به خریدار کالای معیوب بارویکردی به دیدگاه امام خمینی (ره)

مصطفی صادقی نژاد پاریزی^۱

DOI: 10.22034/MATIN.2024.194885.1471

مقاله پژوهشی

چکیده: حق تعویض کالای معیوب، حقی است که به خریدار در فرض معیوب بودن کالا داده می‌شود تا بدین وسیله فروشنده را ملزم نماید کالای معیوب را با نوع سالم آن، تعویض نماید. در این مقاله، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و شیوه‌توصیفی - تحلیلی ضمن بیان تعریف حق تعویض و تمیز آن از حق استرداد و تعمیر کالای معیوب، مزایا و مبانی حق تعویض، قلمرو و جایگاه آن در فقه و حقوق با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، مورد مطالعه قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده است که پذیرش حق تعویض از آنجایی که قلمرو وسیع‌تری نسبت به سایر طرق جبرانی دارد، علاوه بر جلب رضایت مشتری، موجب تسهیل و تسریع دستیابی خریدار به کالای سالم و کاهش هزینه‌ها می‌گردد. از طرفی حق تعویض علاوه بر پذیرش آن به موجب قوانین حمایتی، با تکیه بر ماده ۱۰ ق.م.ا از طریق انعقاد گارانتی، شرط ضمن عقد یا تبدیل تعهد حتی در عین معین قابل دسترسی است. در فقه اسلامی نیز این حق، با عنوان حق ابدال در کالای کلی معیوب، پذیرفته شده گرچه در عین معین مثلی نیز با تکیه بر اصل اجباری بودن قراردادها، فرض امکان تعویض، قابل دفاع به نظر می‌رسد. با این اوصاف اختیار قاضی در انتخاب شیوه جبران خسارت و صدور حکم الزام به تعویض کالا به موجب ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، رویه تجاری، سیره عقلا و لزوم برقراری تعادل اقتصادی در قرارداد، وجود حق تعویض را بیش از پیش، تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حق تعویض، عین کلی، کالای معیوب، مصرف‌کننده، فقه امامیه، حقوق ایران.

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Legalparizi@gmail.com

 0009-0002-9445-3301

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۱

پژوهشنامه ماتین / سال بیست و پنجم / شماره صد و یک / زمستان ۱۴۰۲ / صص ۲۹-۱

مقدمه

یکی از تعهدات بایع در عقد بیع به لحاظ کیفی، تسلیم کالای سالم و منطبق با شرایط قرارداد به خریدار است. در صورت تحویل کالای غیرسالم و معیوب به خریدار، در فقه اسلامی مطالبه ارجح و یا فسخ عقد خریدار پیش‌بینی شده است. حق خریدار در نگهداری کالای معیوب با اخذ ارجح و یا فسخ عقد بیع (حق استرداد کالای معیوب) به تبع فقه اسلامی در قانون مدنی نیز انعکاس یافته و در ماده ۴۲۲ ق.م.تصریح گردیده است. با این اوصاف حق تعویض کالای معیوب به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین خریدار کالای معیوب به دست فراموشی سپرده شده و یا کمتر مورد توجه واقع شده است. به این معنا که خریدار مُحقق باشد در فرض معیوب بودن کالای خریداری شده کالای تسلیمی را با نوع سالم آن جایگزین و تبدیل نماید. علت این کم‌توجهی شاید به لحاظ تمرکز و توجه اکثر آثار حقوقی بر مسئولیت ناشی از عیب تولید کالا است که در زمرهٔ مسئولیت قهری است. به این معنا که اگر کالای تولیدی به لحاظ عیب موجود، خطرناک محسوب گردد و موجب بروز خسارت به دیگران به‌ویژه به خریدار (مصرف‌کننده) شود، چگونه و تحت چه شرایطی باید خسارت متضرر جبران گردد. درحالی که حق تعویض کالا فارغ از بروز خسارت از کالای معیوب، به این مسئله می‌پردازد که صرف وجود عیب در کالا به خریدار حق تعویض را به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای مبیع معیوب اعطا می‌نماید.

اهمیت حق تعویض کالای معیوب از آنجایی است که این حق موجبات اجرای کامل قرارداد را فراهم نموده و خریدار را به هدف نهایی خویش از انعقاد قرارداد می‌رساند که همانا دستیابی به کالای سالم و عاری از عیب است. در همین راستا هدف مقاله حاضر سنجش اعطای حق تعویض به خریدار کالای معیوب از منظر فقه و حقوق است. در این زمینه سعی شده از نظرات و فتاوی امام خمینی نیز بهره گرفته شود. پژوهش پیش رو درصدد پاسخ به این سؤالات است که اولاً مفهوم حق تعویض چیست و اعطای این حق به خریدار واجد چه مزایا و فوایدی است؟ ثانیاً آیا خریدار حق دارد در کنار مطالبه ارجح و فسخ قرارداد، کالای معیوب را با نوع سالم تعویض نماید؟ و چه مبانی و راهکارهای فقهی و حقوقی وجود حق تعویض را در این خصوص تقویت می‌کند؟ ثالثاً قلمرو حق تعویض از حیث کلی بودن یا عین معین بودن مبیع معیوب چگونه است؟ و رابعاً جایگاه حق تعویض کالای معیوب در فقه و حقوق چیست؟

جهت پاسخگویی به سؤالات پیش گفته، در این نوشتار مطالب به چهار بخش تقسیم شده است. در بخش نخست به بررسی مفهوم حق تعویض پرداخته می‌شود. فواید و مزایای حق تعویض نیز موضوع بخش دوم است. در بخش سوم مبانی فقهی و حقوقی حق تعویض بیان می‌شود. بخش چهارم نیز به جایگاه حق تعویض در فقه و حقوق می‌پردازد.

۱. مفهوم حق تعویض و تمیز آن از مفاهیم حقوقی مشابه

تعویض در لغت به معنای عوض کردن و بدل دادن، تعریف شده (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۸۲۳) و برخی تعویض را به معنای قرار دادن چیزی به جای چیز دیگر یا عوض نمودن چیزی با چیز دیگر و یا عوض و بدل کردن دانسته‌اند (کاتوزیان تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱). از معانی مترادف آن، واژه ابدال^۱ است. در فقه اگر شیئی جایگزین شیء دیگر شود معمولاً از آن به ابدال تعبیر می‌گردد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰).

حق تعویض در ادبیات حقوقی ما تعریف نشده است؛ اما بدون شک تعویض قائم به مبادله است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳). به کارگیری حق تعویض در موردی است که کالای معیوب یا غیرمنطبق به مشتری تسلیم شده و خریدار محق است از فروشنده درخواست نماید یک تحویل ثانویه در عوض کالاهای ناقص در تسلیم اولیه، به عمل آورد. (Schlechtriem, 1988, p.1) در واقع اعمال حق تعویض خریدار به نوعی درخواست اجرای عین قرارداد، لزوم انطباق کالا با مشخصات قرارداد و یکی از مصادیق اجرای اجباری قرارداد است (صفایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹) که مشتری را از اجرای تعهد اصلی و اولیه فروشنده که همانا تسلیم کالای سالم است، بهره‌مند می‌سازد (Lookofsky, www.cisg. pace.edu).

از طرفی حق تعویض با حق استرداد متفاوت است. در فقه به رد مبیع و باز پس گرفتن ثمن استرداد گفته می‌شود (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۳). به عبارتی به اختیار رد کالای دریافتی خریدار اصطلاحاً حق استرداد گفته می‌شود؛ بنابراین چنانچه خریدار کالا را صرفاً رد کند و به جای مطالبه بدل آن، از بایع ثمن دریافتی را درخواست نماید، از حق

1. Substitution.

استرداد خود بهره برده است (آقاجانی و صادقی، ۱۳۸۹، ص ۳). درحالی که در حق تعویض خریدار با باز پس دهی مبیع، ثمن را مطالبه نمی کند بلکه خواهان دریافت مبیع جایگزین (مبیع غیر معیوب) است.

از طرفی دیگر، حق تعویض با حق تعمیر نیز متمایز است. در اصطلاح حقوقی هرگاه خریدار بتواند از فروشنده بخواهد عیب^۱ مبیع را برطرف و آن را اصلاح نماید به آن حق تعمیر گفته می شود (صفایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹). به بیان دیگر، در حق تعمیر، نقص و عیب همان کالای تسلیمی مرتفع می گردد؛ اما در حق تعویض کالایی از نوع مشابه جایگزین کالای تسلیمی می شود.

۲. فواید و مزایای اعطای حق تعویض کالای معیوب به خریدار

اعطای حق تعویض کالای معیوب با کالای غیر معیوب و سالم دارای مزایایی است که در ادامه بررسی می شود.

۲-۱. تسهیل و تسریع در استیفای حقوق خریدار و کاهش هزینه ها

زمانی که خریدار کالای معیوب خریداری می کند، امکان مراجعه به تولیدکننده یا نمایندگان رسمی آنان جهت تعویض کالا علاوه بر سهولت، بسیار سریع تر و کم هزینه تر از سایر طرق جبرانی همچون حق استرداد، مطالبه ارجش و حتی خسارت است. درحالی که اگر حق تعویض را از وی سلب کنیم خریدار باید با پرداخت هزینه دادرسی و صرف زمان بسیار، آن هم مشروط به پیروزی در دعوی به حقوق خویش نائل گردد. به علاوه گاه زیان وارد بر مصرف کننده ناچیز بوده و او را از طرح دعوی منصرف می سازد (آقاجانی و صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۴). از طرفی در مطالبه خسارت از فروشنده کالای معیوب، از آنجایی که اثبات ارکان مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا لازم و ضروری است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷) ممکن است موجب صعوبت برای خریدار باشد. همچنین اگر خریدار کالای معیوب،

۱. فقها تعاریف مختلفی برای مفهوم عیب و تشخیص آن بیان نموده اند برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: (موسوی بجنوردی و احمدی، ۱۳۹۱، صص ۲۴-۱).

مطالبه ارش نماید با مشکلات مربوط به احراز عیب، نحوه محاسبه ارش، اختلاف نظر در قیمت مبيع معیوب و سالم مواجه بوده که این امور نیازمند تعیین کارشناس و پرداخت هزینه کارشناسی است. درحالی که یکی از مزایای حق تعویض، حذف چنین تشریفات به همراه کاهش هزینه‌های خریدار به دلیل کاهش هزینه‌های مربوط به طرح دعوا، محاسبه ارش و یا حل و فصل اختلافات آتی خواهد شد. مضاف بر این، حق تعویض خریدار سبب کاهش هزینه دولت شده و مانع گسترش حجم پرونده‌ها در دادگستری و همچنین ایجاد عدالتی مقبول‌تر برای طرفین می‌گردد (بدرپاچ و عباسی، ۱۳۹۵، ص ۴۰).

۲-۲. قلمرو وسیع حق تعویض نسبت به حق فسخ و مطالبه ارش

قلمرو حق تعویض کالای معیوب نسبت به برخی دیگر از حقوق خریدار کالای معیوب همانند مطالبه ارش و فسخ قرارداد از بعضی جهات وسیع‌تر بوده، محدودیت کمتری داشته و از خریدار حمایت بیشتری می‌نماید. به نحوی که حق فسخ و مطالبه ارش چنانکه در ماده ۴۲۳ ق.م.ا اشاره شده، زمانی برای مشتری ثابت است که اولاً عیب و نقص در حین عقد موجود و ثانیاً عیب مخفی باشد (منتقمی، ۱۳۸۷، ص ۶۳)؛ بنابراین حق فسخ، عیوب غیرموجود در حین عقد از جمله عیوب حادث را شامل نمی‌گردد مگر اینکه عیب حادث ناشی از عیب قبلی باشد یا در زمان خیار مختص مشتری ایجاد گردد که در این حالت مانعی برای اعمال حق فسخ نیست (موسوی بجنوردی و حسینی نیک، ۱۳۹۱، صص ۷۳-۷۲). درحالی که دامنه برخورداری خریدار از حق تعویض کالای معیوب با توجه به تعریف ضمانت‌نامه بر اساس بند ۳ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در مدت معینی بعد از انعقاد عقد، حتی در مورد عیوب حادث نیز قابل تسری است و محدود به عیوب زمان انعقاد بیع نیست.

از طرفی به موجب ماده ۴۲۳ ق.م.ا جهل خریدار به عیب و مخفی بودن عیب نیز شرط دوم وجود حق فسخ و مطالبه ارش است. محقق سبزواری نیز علم خریدار به عیب در هنگام انعقاد عقد را به مثابه رضایت و التزام به عقد می‌داند که هم رد و هم مطالبه ارش ساقط است (سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۴). با این وصف علم و جهل خریدار نسبت به عیب کالا مطابق متون فقهی و مقررات قانونی، تأثیری در امکان اعمال حق تعویض کالای معیوب ندارد.

مضاف بر این موارد، فقها بلاخلاف معتقدند تأخیر در اعمال حق فسخ در صورت علم خریدار به عیب، به لحاظ فوریت اعمال حق فسخ موجب سقوط این حق می‌گردد (حلبی، بی‌تا، ص ۲۲۲). حقوقدانان نیز بیان نموده‌اند که با تأخیر، امکان فسخ وجود ندارد (شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). فوریت مزبور مورد تصریح ماده ۴۳۵ ق.م.نیز واقع شده است. درحالی که تراخی در اعمال حق تعویض خریدار مسقط این حق نیست. البته این حق در صورت وجود گاراتی فقط تا انقضای مهلت آن برقرار است نه تا مدت نامحدود.

۳-۲. رعایت اصل رضایتمندی مشتری

خدمت به مشتری قدیمی‌ترین و درعین حال تازه‌ترین مسئله برای هر بنگاه تجاری است. برای مؤسسات تجاری مطمئن‌ترین راه به‌منظور حیات و موفقیت آن است که با کیفیت خدمات همواره در خاطر مشتریان باقی بمانند (هاپسون و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۹۰). از طرفی در یک فضای رقابتی، شرکت‌ها فقط در صورتی بقا خواهند داشت که بتوانند رضایت مشتریان خود را تضمین کنند. برخی از شرکت‌ها که به جهانی شدن می‌اندیشند، رمز موفقیت در جهانی شدن را کسب رضایت مشتریان و مشعوف شدن مشتری می‌دانند (یحیایی ابله‌ای، ۱۳۸۵، ص ۸۴). به همین منظور شرکت‌ها بایستی عوامل مؤثر بر رضایت مشتری را در ابعاد سه‌گانه محصول، تحویل و خدمت شناسایی کنند. به گونه‌ای که در بُعد محصول، طراحی نو و مرغوبیت کالا، در بُعد تحویل، سلامت و مطابقت کالای تحویلی با قرارداد^۲ و در بُعد خدمت، سرویس‌دهی و تعمیر و تعویض به‌موقع و... از عوامل مؤثر هستند (یحیایی ابله‌ای، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲). مضاف بر این چنانچه برخی نیز اشاره نموده‌اند (آقاجانی و صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۴) اعطای حق تعویض کالای معیوب به خریدار علاوه بر اینکه می‌تواند موجب جلب نظر و طیب خاطر مشتریان گردد، می‌تواند زمینه ایجاد بازار رقابتی بین تولیدکنندگان و فروشندگان کالا را فراهم آورد.

1. Delight.

۲. البته هرگاه قرارداد نسبت به برخی از مشخصات ساکت باشد به‌موجب ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ تعهد باید با لحاظ لوازم عرفی و قانونی ایفا گردد.

۳. مبانی حق تعویض کالای معیوب

در مبحث پیش‌گفته استدلال کردیم که باید برای خریدار حق تعویض کالای معیوب را به رسمیت شناخت. صحت و اجرای این استدلال‌ها درجایی روشن‌تر می‌شود که مبتنی بر اصول و مبانی موجود در آن نظام حقوقی باشد. به همین منظور ادله و قواعد فقهی و حقوقی مثبت اعتبار حق تعویض، با عنوان مبانی حق تعویض کالای معیوب بررسی می‌شود.

۱-۳. اصل آزادی قراردادها

رکن اساسی هر عقد، توافق اراده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۲)؛ و اصل حاکمیت اراده به موجب ماده ۱۰ ق.م. پذیرفته شده است (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۴۷). از نتایج اصل مذکور، آزادی قراردادی است؛ یعنی افراد اصولاً می‌توانند به میل خود محتوای قرارداد را تعیین کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۱۴۶). یکی از این دست قراردادها که اشخاص در انعقاد و تعیین شرایط آن آزاد هستند عقد نامعین گارانتی است که حکم عام لزوم وفای به عقد «أَوْفُوا بِالْعُقُود» شامل این گونه قراردادها هم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۳۷۹). گارانتی یا شرط تضمین سلامت کالا به این معناست که متعاملین بر امکان تعویض کالای معیوب در مدت معین تراضی کنند. تکمیلی بودن احکام مربوط به خیار عیب نیز از آنجایی که این احکام مرتبط با نظم عمومی نیستند، مؤید صحت و اعتبار گارانتی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص. ۷۰؛ قاسمی، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۷).

از طرفی ماده ۴۳۶ ق.م. در راستای تکمیلی بودن احکام معاملات و اختیارات به بائع اجازه داده که از عیوب مبیع تبری جوید. در این صورت چنانچه عیبی در مبیع ظاهر شود بائع مسئول نخواهد بود. در فقه هم این امر مورد توجه فقهاست. امام خمینی در کتاب تحریر الوسیله در این باره می‌گوید: «با شرط سقوط آن در ضمن عقد و با تبرّی از عیوب در وقت عقد، به این که بگوید: فروختم آن را با هر عیبی، ساقط می‌شود» (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱ و ۲، ص. ۴۱۳)؛ یعنی با تبرّی از عیوب، خیار عیب ساقط می‌گردد (کیایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۴۸۹). حال وقتی فروشنده و خریدار می‌توانند مسئولیت فروشنده، از باب فروش کالای معیوب را با شرط تبرّی ساقط کنند و مورد پذیرش فقهاست، به طریق اولی می‌توانند در صورت ظهور عیب، رفع عیب موجود را از طریق تعویض کالا تعیین نمایند.

در فرضی که موضوع مبیع عین کلی و معیب باشد فارغ از اصل آزادی قراردادهای، قانوناً بایع متعهد به تسلیم عین کلی سالم مطابق با توصیفات قراردادی یا عرف است (به استناد مواد ۲۳۷، ۲۷۹، ۴۱۴، ۴۳۷ و ۴۸۲ ق.م و همچنین ماده ۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸). در مورد عین معین معیوب نیز گرچه عین معین منحصر به فرد است و بایع مجاز نیست مال مشابه را تسلیم نماید حتی اگر مرغوب‌تر باشد (شیروی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۲)؛ اما می‌توان بر این باور بود که متعاملین می‌توانند با اتکا بر اصل آزادی قراردادهای و حاکمیت اراده بر تبدیل مبیع معین معیوب با مالی دیگر تراضی کنند (کاتوزیان، الف ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۷۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۸۷). برخی از نویسندگان نیز بیان داشته‌اند ضرورتی ندارد که الزاماً حق تعویض خریدار در قرارداد تصریح شود بلکه اگر از اوضاع و احوال قرارداد یا برخی شروط آن به‌طور ضمنی استنباط گردد، خریدار از این حق برخوردار است (صادقی و آقاجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶).

از طرفی دیگر، بایع و مشتری می‌توانند تعهد به تسلیم یک مبیع را به تسلیم مبیع جایگزین تبدیل نمایند؛ یعنی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد صورت گیرد که مصداق بند ۱ ماده ۲۹۲ ق.م است. تعویض کالای فروخته شده در هر حال چه با انعقاد توافق دیگر و چه بر پایهٔ تبدیل تعهد، نیازمند رضایت بایع و مشتری است (صادقی و آقاجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹). البته در عین معین خریدار می‌تواند از آنجایی که وصف معین و مشخص بودن به نفع وی است از این وصف به نحوی صرف نظر نماید تا بایع بتواند کالای غیر معیوب مشابه و جایگزین به وی تسلیم نماید.

۲-۳. اختیار دادگاه در تعیین شیوهٔ جبران ضرر

مطابق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» قاضی می‌تواند حق تعویض کالا را به‌عنوان یکی از راه‌های جبران زیان خریدار کالای معیوب تعیین نماید؛ زیرا دادن بدل و مثل کالا بهترین وسیلهٔ جبران زیان خریدار بوده و وی به هدف اصلی خود از انعقاد عقد بیع نائل می‌گردد؛ که همانا به دست آوردن کالای سالم است. علت استناد به این مقرر نیز این است که مسئولیت مدنی خصوصیتی در این زمینه نداشته

و قابل تسری به قراردادهاست همچنان که برخی نیز اشاره نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۱۱). مسئولیت قراردادی چهره‌ای از مسئولیت مدنی به معنی عام آن بوده و طبیعی است اگر حکمی در قراردادها نباشد، قواعد مسئولیت مدنی در آن زمینه مجری است. در نتیجه منطقی نیست. اولاً انتخاب طریقه جبران تخلف از طرف دادگاه صرفاً محدود به مسئولیت‌های غیر قراردادی باشد پس در مورد قراردادها هم جاری است. ثانیاً مطابق مقرره فوق قاضی ملزم به اعمال فسخ و ارجح نیست بلکه کاملاً مختار است تا روش انطباقی را با مراعات اوضاع و احوال انتخاب نماید (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۴)؛ بنابراین در صورتی که بر طبق اوضاع و احوال خاص هر مورد عادلانه‌تر و حتی عاقلانه‌تر این باشد که حکم به تسلیم کالای جایگزین داده شود، دادگاه می‌تواند حکم صادر نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۴۲).

۳-۳. اصل اجباری بودن انجام تعهد

در مواردی که مبیع معیوب است کوشش اکثر نظام‌های حقوقی این است که قرارداد حتی المقدور اجرا شود و از فسخ قرارداد و یا مطالبه خسارت خودداری شود؛ زیرا اجرای عین تعهد، انتظارات قانونی و مشروع خریدار متضرر از خرید کالای معیوب را به موجب قرارداد مورد حمایت قرار می‌دهد و وی را در رسیدن به منافعی که به دنبال آن بوده یاری می‌کند (www.cisg. Law).

در فقه نیز اصل اجباری بودن انجام تعهد یا لزوم وفای به عهد پذیرفته شده و نظر مشهور فقهای امامیه نیز این است که با وجود امکان اجبار، مستندی برای فسخ وجود ندارد (انصاری، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۳۱۳). فقها در فرضی که موضوع عقد کلی است، در صورت امکان تعویض و عدم تعذر، فسخ عقد را منتفی دانسته‌اند. به نحوی که امام خمینی حق تعویض را در این مورد در فرض اجاره کلی، پذیرفته است. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱ و ۲، ص ۴۵۰). صاحب جواهر نیز با شرایطی قائل به حق ابدال است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۱۶). البته باید توجه داشت که حق تعویض صرفاً محدود به عقد اجاره نیست و در عقد بیع نیز طرح شده است؛ زیرا در باب احکام خیار عیب بیان شده در موردی که مبیع کلی و معیوب باشد حق الزام فروشنده به تسلیم کالای سالم که همان حق تعویض است به رسمیت شناخته شده است (انصاری، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۳۱۲).

در موردی نیز که کالای معیوب عین معین است فقها به امکان تعویض آن اشاره‌ای ننموده‌اند. البته سکوت فقها در مورد حق تعویض خریدار در فرض عین معین معیوب را نمی‌توان دلیلی بر عدم وجود آن دانست؛ و وجود حق فسخ و مطالبه ازش نافی سایر طرق جبرانی همچون حق تعویض کالای معیب نیست. چون که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. از طرفی امام خمینی در فرض عدم تسلیم عوض از طرف متعهد، اجبار به انجام تعهد تسلیم را مشروط بر اینکه امکان‌پذیر باشد، پذیرفته و بر حق فسخ مقدم دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۶۲-۵۶۱). به غیر از ایشان برخی دیگر در این مورد بیان نموده‌اند مقتضای اولیه عقد اجرای آن است خواه به صورت اختیاری یا پیش دستی متعهد یا به صورت اجباری با الزام متعهدله (عدل، ۱۳۷۳، ص ۲۵۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۳۳۹؛ سنه‌وری، ۱۹۹۷، ج ۶، ص ۲۲۳).

در حقوق ایران نیز اصل اجباری بودن انجام تعهد و تقدم اجرا بر فسخ در مواد ۲۱۹، ۲۳۹ و ۳۷۶ ق.م. و همچنین ماده ۳۹ قانون تجارت الکترونیک^۱ مصوب ۱۳۸۲ مورد لحاظ قانون‌گذار قرار گرفته است. حال وقتی لزوم اجرای تعهد در فرض امکان اجرا، در مسئله تسلیم مبیع که مصداق عدم اجرای تعهد است، پذیرفته شده (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۲۷). به طریق اولی الزام به اجرای تعهد در مسئله تسلیم کالای معیوب که مصداق اجرای ناقص قرارداد است، قابل دفاع است.

بنابراین در موردی که عین معین، قیمی است قاعدتاً الزام به انجام تعهد به لحاظ ماهیت مال قیمی امکان‌پذیر نیست و فقها و حقوق‌دانان الزام به اجرای عین تعهد را در فرضی که اجرا عقلاً و منطقیاً ممکن باشد پذیرفته‌اند نه به نحو مطلق؛ اما در صورتی عین که معین از نوع مثلی باشد می‌توان متعهد را ملزم به پرداخت مثل نمود که این امر در اعاده وضع سابق متضرر نیز بهتر به کار می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۴). گرچه دادن مثل مال اصولاً در مسئولیت قهری و در خصوص اموال مثلی صورت می‌گیرد و در مسئولیت قراردادی

۱. ماده ۳۹ مقرر می‌دارد: «در صورتی که تأمین‌کننده در حین معامله به دلیل عدم موجودی کالا و یا عدم امکان اجرای خدمات، نتواند تعهدات خود را انجام دهد، باید مبالغ دریافتی را فوراً به مخاطب بازگرداند، مگر در بیع کلی و تعهداتی که برای همیشه وفای به تعهد غیر ممکن نباشد و مخاطب آماده صبر کردن تا امکان تحویل کالا و یا ایفای تعهد باشد...».

سخن از تسلیم مثل نامأنوس است (قاسمی، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۵) لیکن از آنجایی که دادن مثل بهتر می‌تواند وضع زیان‌دیده را به حالت نخست درآورد و زحمت یافتن و خریدن مال هم بر ذمه وی قرار نمی‌گیرد (کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۵۴۲). به نظر می‌رسد در مسئولیت قراردادی نیز نسبت به سایر طرق جبرانی همچون اختیار فسخ و مطالبه ارش مرجح است.

مضاف بر این موارد، برخی فقها نیز خیار عیب برای مشتری را در صورتی ثابت می‌دانند که عیب قابل رفع نباشد (آل کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲، ص. ۶۵). امام خمینی نیز ثبوت خیار را به شرط عدم زوال و انتفای عیب دانسته است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱ و ۲، ص. ۴۱۴). برخی دیگر نیز معتقدند برای خریدار حق رد کالای معیوب است و وی حق ندارد کالایی را که عیب آن مرتفع شده رد نماید (اصفهان‌ی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص. ۵۲۷). حقوق‌دانان نیز بر این باورند که به استناد ماده ۴۷۸ ق.م.ا از آنجایی که غرض اصلی از برقراری خیار عیب، جبران ضرر است و وقتی ضرر قبل فسخ، جبران شود موقعیتی برای اعمال خیار وجود ندارد (یوسف زاده، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۴). با این اوصاف گاهی ضرر از طریق تعویض کالا نیز دفع می‌گردد. با این امکان، ضرر که مبنای خیار عیب است منتفی و خیار مرتفع می‌گردد؛ بنابراین تسلیم کالای سالم مثلی نه تنها موجب انجام کامل تعهد ناقص بایع شده، بلکه فرصتی است که فروشندگان برای حفظ اعتبار، کاهش مسئولیت جبران خسارت و ممانعت از طریق جبران فسخ قرارداد به دنبال آن هستند (مافی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۴).

۳-۴. عرف و رویه تجاری

یکی از مواردی که در بسیاری از قراردادهای فروش کالا به شکل عرف و رویه تجاری^۱ درآمده، تسلیم نمودن ضمانت‌نامه‌هایی است که تولیدکنندگان آن‌ها را به انضمام کالا به خریدار ارائه می‌نمایند (منتقمی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲). ضمانت‌نامه کالا بر اساس بند ۳ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ سندی است که امکان رفع عیب و تعویض کالا در مدت معین را فراهم می‌آورد. مضاف بر این در عرف فروشندگان کالای تضمین‌شده نیز متداول است که هنگام انعقاد معامله به خریدار تذکر می‌دهند در

1. Trade Custom.

صورت وجود نقص فنی و عیب در کالا به نماینده تولیدکننده برای رفع عیب مراجعه شود (منتقمی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲).

از طرفی عرف مسلم حاکم بر معاملات تجاری بیشتر در جهت استحکام معاملات و در عین حال جهت تعیین طریق جبران خسارت گام برداشته است؛ و طرفین سعی می‌کنند حق تعویض را برای خریدار قائل شوند. عرف نیز چنین شرطی را معتبر می‌داند؛ بنابراین عرف می‌تواند در این زمینه مورد استناد باشد؛ زیرا عرف یکی از منابع مسلم و معتبر قواعد حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۸؛ ملک‌زاده و احمدلو، ۱۳۹۱، صص. ۱۶۳-۱۳۹). در این زمینه هم فرقی نمی‌کند که مبیع عین معین است یا عین کلی چون در هر حال عین کلی با تعیین و تسلیم تبدیل به عین معین می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص. ۵۱۸) و تعویض مبیع معیوب در هر دو حالت در عرف تجاری بدون تردید پذیرفته شده است.

رویه و عرف متداول تجاری نیز محدود به نظام حقوقی ایران نیست بلکه در نظام حقوقی آمریکا نیز به لحاظ رفتار و رویه تجاری پذیرفته شده، فروشنده حق برطرف کردن عیب کالای فروخته شده را از طریق تضمین داراست. (White & Robert, 1980) حق تعویض و رفع عیب کالا در سطح بین‌الملل نیز امری شایع است به گونه‌ای که فروشگاه تارگت، کالاهای معیوب را به راحتی تعویض می‌نماید (www.Target.Com) همچنین مشتریان در فروشگاه هسل فری بدون پرداخت هزینه از این اختیار برخوردارند که کالاهای آسیب‌دیده و ناقص را تعویض و جایگزین نمایند (www.ContractorsService).

۳-۵. سیره و بنای عقلا

یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود حق تعویض کالای معیوب برای خریدار، سیره و بنای عقلاست. حق تعویض کالای معیوب نیز همانند حق فسخ در قراردادهای تجاری و مالی به عنوان یک شرط حیاتی و دائمی وجود دارد و عرف عقلا هم آن را تأیید نموده است و از نگاه عرفی قرارداد بیع متضمن این شرط است، یعنی بایع خود را به تعویض و استرداد ملتزم نموده و این شرط چنان از دیدگاه عرف عقلا مسجل است که به منزله ذکر در عقد است ولو اینکه طرفین به آن تصریح ننموده باشند (شیروی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴۶). مبنای آن نیز شرط ضمن عقد نیست، بلکه تلقی عرفی عندالعقلاست.

از طرفی خریدار که اقدام به خرید کالا می‌نماید و در مقابل آن عوض به فروشنده می‌دهد، به تصور آن است که کالا سالم و بدون عیب باشد. بنای عقلا نیز بر تسلیم مبیع به صورت صحیح و غیر معیوب استوار است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۶۸). لذا اگر مشخص شود مبیع دارای عیب است مشتری دچار ضرر و خسارت شده و باید به نحوی جبران گردد (رسوق، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷). اگرچه برای جبران ضرر راهکارهای دیگری همانند مطالبه خسارت و ارش و غیره هم وجود دارد؛ اما بی‌تردید از منظر عقلا جبران ضرر به هر قیمتی ارزش ندارد بلکه جبران خسارت باید اقتصادی و با هزینه کمتر انجام شود که اعطای حق تعویض یکی از این طرق است؛ زیرا در فرض اعمال حق فسخ مشتری به لحاظ عیب مبیع، فروشنده باید هزینه هنگفت حمل و نقل کالای مسترد شده را متقبل شود که از نظر عقلای جامعه ناپسند است. در مورد موضوع مبیع نیز بلاشک عین کلی قابل تعویض است و عین معین نیز عرف است که خریدار از وصف معین چشم‌پوشی می‌کند تا بتواند کالای سالم به دست آورد.

۳-۶. لزوم برقراری تعادل اقتصادی نسبی در قرارداد

هدف خریدار از انعقاد عقد بیع و تعهد به پرداخت ثمن چیزی به جز به دست آوردن کالای موردنظر خود نیست. بایع نیز در مقابل تعهدات مشتری، مکلف است کالایی را به مشتری تسلیم کند که از هر حیث، منطبق با کالای توصیف‌شده در قرارداد باشد؛ زیرا بیع عقدی معوض است و هر یک از طرفین قرارداد مکلف است در برابر دریافت مالی، مالی دیگر در عوض مقابل بدهد (کاتوزیان، الف، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶). نتیجه معوض بودن عقد بیع، تعادل ارزش بین عوض و معوض است؛ بنابراین نتیجه عقد نباید به نحوی باشد که دو عوض در کیسه یک طرف قرارداد قرار گیرد (کاتوزیان، ب، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۷۹). زمانی که خریدار مبیع معیوب دریافت می‌کند، قیمت آن به مراتب کمتر از ثمن پرداختی به فروشنده است. در نتیجه عوض و معوض همسنگ نبوده و موقعیت اقتصادی طرفین در قرارداد مزبور تعادل ندارد؛ زیرا فروشنده ثمن کامل دریافت می‌کند و خریدار مضمن ناقص. به‌منظور ایجاد

تبادل در روابط اقتصادی طرفین معامله بایستی حق ترمیم^۱ کالای معیوب را از طریق تعویض آن با نوع سالم مبذول داشت. به نحوی که خریدار متضرر از دریافت کالای معیوب با داشتن حق الزام فروشنده به تعویض کالا، در مقابل ثمن کاملی که پرداخته، میباید کامل دریافت کند و با توازن نسبی ارزش دو عوض، بین متعاملین نیز از حیث اقتصادی، عدالت برقرار گردد.

از طرفی حق تعویض کالا موجب تعادل در منافع طرفین نیز می‌گردد. به نحوی که فروشنده‌ای که ثمن کامل دریافت نموده، از منافع ثمن مزبور نیز بهره برده است. در حالی که خریداری که کالای ناقص و معیوب دریافت نموده از منافع کالا که در لحظه انعقاد معامله مدنظر وی بوده، محروم مانده که اعطای این حق موجب دسترسی خریدار به منافع مزبور نیز می‌گردد؛ بنابراین حق تعویض کالا حتی الامکان خریدار را به اهداف خود از انعقاد قرارداد نائل کرده (Huet, 1995) و او را در موقعیت اقتصادی مطلوبی قرار می‌دهد که در صورت عدم نقض تعهد سلامت کالا، به آن دست می‌یافت.

۴. تحلیل و بررسی جایگاه حق تعویض در فقه و حقوق

در این قسمت به این مطلب پرداخته می‌شود که در فقه و حقوق ایران رد پایی از حق تعویض کالا دیده می‌شود و مستندات زیر بیانگر این ادعاست.

۴-۱. حق تعویض در قوانین حمایتی

حق تعویض کالای معیوب در قوانین حقوق مصرف‌کننده بسیاری از کشورها مورد توجه خاص و ویژه قرار گرفته است. به عنوان مثال، می‌توان به حقوق کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان، سنگاپور، سوئیس و آمریکا اشاره نمود (Giri, 1987, Haffman & Arning, 1994). در ایران نیز دو قانون حمایتی در این زمینه وجود دارد. اولین مورد، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ که به موجب ماده ۴ این قانون: «چنانچه نقص یا عیب قطعات ایمنی خودرو در طول دوره ضمانت پس از ۳ بار تعمیر همچنان باقی باشد یا

1. Cure.

در صورتی که نقص یا عیب قطعاتی که موجب احتمال صدمه جسمی یا جانی اشخاص گردد و با یک‌بار تعمیر برطرف نشده باشد یا خودرو بیش از سی روز به دلیل تعمیرات غیرقابل استفاده بماند، عرضه‌کننده مکلف است حسب درخواست مصرف‌کننده خودروی معیوب را با خودروی نو تعویض یا با توافق، بهای آن را به مصرف‌کننده مسترد دارد» حق تعویض صرفاً در سه مورد امکان‌پذیر است. یکی اینکه عیوب عادی بوده و با سه بار تعمیر کماکان نقص و عیب باقی باشد. مورد دوم احتمال صدمه جانی و جسمی از نقص و عیب وجود داشته باشد و با یک‌بار تعمیر نیز عیب مرتفع نگردد؛ و مورد سوم غیرقابل استفاده ماندن خودرو بیش از سی روز به دلیل تعمیرات است. نکته قابل توجه اینکه به موجب این قانون فی‌البداهه حق تعویض وجود ندارد و مشروط به بقای عیب علی‌رغم تعمیر و یا گذشت سی روز و عدم امکان استفاده از خودرو است. لازم به ذکر است قانون‌گذار در این شرایط و پیش شرط‌های سخت‌گیرانه مصرف‌کننده را صرفاً محق در حق تعویض ندانسته؛ زیرا انتهای ماده بیان نموده: «یا با توافق بهای آن را به مصرف‌کننده مسترد دارد» که بیانگر این است قانون‌گذار حق تعویض را هم‌عرض حق استرداد به رسمیت شناخته و به نحوی احکام مربوط به خیار عیب در قانون مدنی را از آنجایی که این قانون خاص خودرو است نسخ نموده است. به نحوی که با شرایط پیچیده حق فسخ و استرداد و همچنین جعل حق تعویض در عرض آن، تمایل به حفظ قرارداد داشته است.

مورد دوم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ است که در مورد عموم کالاها به‌جز خودرو که قانون خاص دارد قابل اجراست. به موجب ماده ۲ این قانون: «...اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند و اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند...» قانون‌گذار در اینجا نیز حکم خیار عیب در قانون مدنی را تکرار نموده است. با این تفاوت که فروض مختلف عین معین و کلی را تفکیک نموده، به نحوی در عین کلی حق تعویض و در عین معین حق استرداد از طریق فسخ را پیش‌بینی شده است. البته ممکن است مصرف‌کننده در مورد عین معین با گذشت از وصف عین معین بودن، ادامه قرارداد را اقتصادی دانسته و تمایل به تعویض کالای معیوب

با مورد سالم دیگر داشته باشد؛ بنابراین محدود کردن حق تعویض به عین کلی نمی‌تواند همیشه اقتصادی باشد و از این حیث قابل انتقاد است (صادقی و آقاجانی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴).

۲-۴. حق تعویض به موجب ماده ۲۷۹ قانون مدنی

حق تعویض کالای معیوب از ماده ۲۷۹ ق.م. به نحوی قابل استخراج است. طبق این ماده: «اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که فرد اعلای آن ایفا کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد». مستنبط از این ماده این است که فروشنده کالای کلی به خریدار فروخته و کالای تحویلی عرفاً معیوب است. در این حالت وفای به عهد به نحو صحیح واقع نشده و فروشنده بری نمی‌گردد. خریدار نیز نمی‌تواند با استفاده از خیار عیب معامله را فسخ نماید؛ زیرا مطابق ماده ۴۳۷ ق.م. خیار عیب مختص عین معین است. لاجرم باید فروشنده را ملزم به تحویل کالای جایگزین غیر معیوب نماید. البته اگر هیچ مصداق سالمی برای ایفای تعهد یافت نشود در این حالت خریدار می‌تواند معامله را به دلیل تعذر در انجام تعهد فسخ نماید (شیروی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۷). این حق همان حق تعویض کالای معیوب است که با توجه به صراحت قسمت ابتدایی ماده ۲۷۹ قانون مدنی در مورد کالای عین کلی قابل اجراست.

۳-۴. احکام مقرر در باب خیارات

در ابواب فقهی و قانون مدنی مباحثی به خیارات اختصاص داده شده است. از بین خیارات موصوف، در مقررات خیار عیب، تخلف از شرط، خیار تخلف از رؤیت و تخلف از وصف به نحوی به حق تعویض کالا اشاره شده و فسخ و مطالبه ارش نادیده گرفته شده است. در ادامه این احکام بررسی می‌گردد.

۱-۳-۴. خیار عیب

به عقیده امام خمینی در فرض وجود عیب، خریدار بین فسخ و مطالبه ارش مخیر است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱ و ۲، ص ۴۱۳). این حقوق در ماده ۴۲۲ ق.م. نیز پیش‌بینی شده است. حقوق مزبور علی‌رغم ظاهر ماده ۴۲۲ ق.م. صرفاً مختص موردی است که مبیع عین معین باشد؛

زیرا خیار عیب ویژه عین معین است (کاتوزیان، الف ۱۳۹۲، ص. ۳۳۲). در این حالت خریدار حق تعویض کالا را ندارد. مؤید این مطلب ماده ۴۳۷ ق.م است که خیار عیب، حق فسخ و ازش، در عین کلی راه ندارد؛ بنابراین اگر مبیع کلی فی الذمه باشد باید مبیع سالم را تسلیم نماید و در صورت امتناع بایع اجبار می‌شود (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۱).

همچنین امام خمینی در باب اجاره می‌گوید در صورتی که عین مستأجره عین معین باشد و در آن عیبی باشد حق فسخ اجاره وجود دارد؛ اما در صورتی که کلی باشد و آن فرد معیوب درآید حق مطالبه بدل را دارد مگر این که گرفتن بدل امکان‌پذیر نباشد (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱ و ۲، ص. ۴۵۰). ماده ۴۸۲ ق.م در باب اجاره نیز مطالب پیش‌گفته را تأیید می‌نماید. نکته قابل توجه اینکه اولاً این مقرر حق تعویض را در زمینه مورد اجاره معیوب به رسمیت شناخته و مورد عقد اجاره خصوصیتی در این زمینه نداشته و با الغای خصوصیت می‌توان به بیع در مواردی که مبیع معیوب است هم تسری داد. ثانیاً حق تعویض مزبور صرفاً مختص عین کلی است و عنایت به این ماده، اطلاق موجود در ماده ۴۲۲ ق.م را مقید به مال کلی می‌نماید. ثالثاً مطابق ماده مزبور حق تعویض مقدم بر حق فسخ (استرداد) است و حق استرداد صرفاً در فرض عدم امکان تعویض پذیرفته است.

۲-۳-۴. خیار تخلف از شرط

خیار تخلف از شرط به موجب ماده ۴۴۴ ق.م به رسمیت شناخته شده است. احکام مربوط به این خیار به موجب مقرر مزبور در مواد ۲۳۴ تا ۲۴۵ ق.م ذکر شده است. یکی از اقسام خیار تخلف از شرط، تخلف از شرط صفت است. به موجب ماده ۲۳۴ ق.م شرط صفت راجع به کیفیت و کمیت مورد معامله است. شرط سلامت یکی از اقسام شرط صفت است (کیفیت)؛ بنابراین فروشنده بایستی کالایی سالم و عاری از عیب به خریدار تحویل نماید. اگر کالا عین معین و معیوب باشد خریدار می‌تواند به استناد این خیار از حق فسخ و استرداد خویش بهره‌مند گردد (ماده ۲۳۵ ق.م). خیار موصوف صرفاً مختص عین معین است؛ بنابراین در موردی که عین مورد معامله کلی و معیوب باشد خریدار می‌تواند فروشنده را ملزم به تعویض کالای معیوب با نوع سالم نماید. شرط صفت در این حالت به شرط فعل بازمی‌گردد (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۱۹۲)؛ و به عبارتی ماده ۲۳۷ ق.م در این مورد اجرا

می‌شود؛ بنابراین با این تفاسیر در عین کلی وصف سلامت که از اقسام کیفیت است (شرط صفت) به شرط فعل تبدیل شده و احکام شرط فعل (الزام به تعویض) در مورد آن جاری است و مشروط له (خریدار) می‌تواند بایع را به تسلیم مصداق واجد شرط، الزام کند.

۳-۳-۴. خیار تخلف از رؤیت و تخلف از وصف

در قانون مدنی حق استرداد مبیع غیر منطبق با اوصاف، رؤیت سابق یا نمونه به استناد خیار تخلف از رؤیت و تخلف از وصف به موجب مواد ۴۱۰ و ۴۱۳ ق.م.شناخته می‌شود. در فقه نیز این خیار طرح و بیان شده: «بیع با ذکر وصف لازم است و در صورتی که نقص در وصف باشد مشتری بین رد و التزام به بیع مخیر است»^۱ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۹۳). حق استرداد و فسخ مزبور فقط در مورد عین معین جاری می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۶۳۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۹۲)؛ بنابراین اگر مبیع کلی باشد در صورت عدم مطابقت کالا می‌توان فروشنده را ملزم به کالای منطبق با اوصاف نمود (کاتوزیان، الف ۱۳۹۲، ص ۳۲۲). مؤید این حکم ماده ۴۱۴ ق.م.نیز است که مقرر می‌دارد فروشنده باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف باشد. حق الزام بایع به تسلیم مبیع با اوصاف مقرر در واقع حق تعویض خریدار است. نکته قابل توجه این است که می‌توان به استناد مقررات خیار تخلف از وصف همانند مقررات خیار عیب، حق تعویض کالای غیر منطبق را که کالای معیوب از مصادیق آن است به رسمیت شناخت.

نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های جبران ضرر خریدار در کنار حق فسخ (حق استرداد) و مطالبه ارزش، حق تعویض کالای معیوب است که دارای مزایای متعددی است. از جمله دسترسی خریدار به کالای سالم را تسریع و تسهیل نموده و از اطلاع دعوا، گسترش حجم پرونده در دادگستری و همچنین پرداخت هزینه‌های گزاف مرتبط با دعوا جلوگیری می‌نماید. همچنین محدودیت‌های حق فسخ و مطالبه ارزش مبنی بر مخفی و موجود بودن عیب حین

۱. «فان كان المبيع على ما ذكر فالبیع لازم والا كان المشتري خاصة بالخيار بين فسخ و بين التزامه اذا كان ناقصاً عن الوصف».

العقد و فوریت اعمال خیار در حق تعویض وجود نداشته و موجب طیب خاطر مشتری از خرید و ایجاد فضای رقابتی بین تولیدکنندگان می‌شود.

از حیث قلمرو حق تعویض به نظر می‌رسد که فقها حق ابدال عین کلی معیوب را در عقد اجاره و بیع صراحتاً پذیرفته‌اند و در مورد مبیع عین معین معیوب، حق متضرر را محدود به فسخ و یا ارجش نموده‌اند. نویسندگان حقوقی نیز در بیع کلی به امکان الزام بایع به تسلیم مبیع سالم در این مورد تأکید نموده‌اند. با این وصف با تکیه بر ماده ۱۰ ق.م. و قاعده «العقود تابعة للقصود» می‌توان حق تعویض را با انعقاد گارانتی (قرارداد نامعین) یا هر نوع قرارداد دیگری به رسمیت شناخت و در موردی هم که کالای معیوب عین معین است با اتکا بر این اصل، می‌توان ترازی به تعویض از طریق شرط ضمن عقد و یا تبدیل تعهد به موجب بند ۱ ماده ۲۹۲ ق.م. نمود.

حق خریدار در تعویض کالای معیوب متکی بر مبانی فقهی و حقوقی است. از جمله اینکه اولاً محاکم با توجه به اختیار موجود در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ می‌توانند شیوه جبران خسارت خریدار کالای معیوب را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، تعیین نموده و در صورتی تعویض کالای معیوب عادلانه‌تر و عاقلانه باشد، حکم بر الزام به تعویض دهند. ثانیاً اینکه اصل اجباری بودن انجام تعهد و لزوم وفای به عهد اقتضا می‌نماید که تعویض کالای کلی معیوب از طرف بایع صورت پذیرد. البته در عین معین معیوب نیز با تکیه بر این اصل و رویکرد برخی فقها همچون امام خمینی و آل کاشف الغطاء در موردی که عین معین مثلی و تعویض ممکن است، تبدیل و تعویض کالا قابل توجیه است. بخصوص آنکه در اعاده وضع سابق خریدار متضرر نیز بهتر به کار می‌آید. ثالثاً عرف و رویه تجاری فروشندگان کالاها و رابعاً بنا و سیره عقلا از آنجایی که حق تعویض امری پسندیده، عرفی و عقلایی و کم‌هزینه است، مؤید و مبنای حق تعویض بوده و در مورد عین معین نیز عرف عقلا و رویه تجاری جهت سهولت از وصف معین چشم‌پوشی می‌کنند. خامساً مضاف بر مبانی پیش گفته، لزوم برقراری تعادل اقتصادی نسبی در قرارداد نیز وجود حق تعویض را تقویت می‌نماید.

در قوانین ایران رویکردهای چندگانه در زمینه حقوق تعویض کالا وجود دارد. اولاً در قانون مدنی به عنوان قانون عام حق تعویض صرفاً در عین کلی معیوب به رسمیت شناخته شده

است. در این قانون در فرض تخلف وصف و تخلف از شرط صفت نیز خریدار صرفاً در عین کلی، دارای حق تعویض است. ثانیاً به موجب قوانین خاص از جمله؛ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در عین کلی خریدار مستحق حق تعویض است. در قانون حمایت از مصرف‌کننده خودرو مصوب ۱۳۸۶ قانون‌گذار با پیش‌شرط‌های سخت و پیچیده به موجب ماده ۴ این قانون، حق تعویض را هم‌عرض حق فسخ برای خریدار قرار داده و حکم مقرر در قانون مدنی در باب عیب را نسخ نموده است. هرچند قانون‌گذار در این زمینه تفکیکی بین عین معین و کلی قائل نشده است و به نحو مطلق این حقوق را پذیرفته است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
 مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آقاجانی، زهرا، صادقی، محسن (۱۳۸۹). حق تعویض و استرداد کالا در حقوق ایران با تأکید بر حقوق مصرف‌کننده. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). تحریرالمجله. تهران: انتشارات نجاح.
- اصفهانی، محمدحسن (۱۴۱۹ق). حاشیه مکاسب. بیروت: ذوالقربی، چاپ اول.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی (۱۹۹۰ق). مکاسب. بیروت: مؤسسة النعمان.

- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸). دانشنامه حقوق خصوصی. تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم.
- بذریچ، حمید و عباسی، عادل (۱۳۹۵). اعتبار و آثار شروط ناظر بر میزان مسئولیت قراردادی در حقوق ایران، انگلیس و ترکیه. تهران: نشر فکر سازان، چاپ اول.
- جابری، عصمت‌الله (۱۳۸۶). حقوق مصرف‌کننده. اصفهان: انتشارات دادیار، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). وسیط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، چاپ پنجم.
- حلبی، ابوالصلاح (بی‌تا). الکافی فی الفقه. تحقیق رضا استادی، اصفهان: مکتبه امام امیرالمؤمنین.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- رسوق، محسن (۱۳۹۰). تسلیم مبیع و ثمن و آثار آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰) و مقایسه آن با فقه و حقوق ایران و سوریه. تهران: دانشگاه امام صادق.
- سبزواری، محمدباقر (بی‌تا). کفایة الاحکام. اصفهان: مدرسه صدر مهدوی، چاپ سوم.
- سنهوری، عبدالرزاق (۱۹۹۷). مصادرالحق فی الفقه الاسلامی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۸). حقوق مدنی ۶. تهران: انتشارات مجد، چاپ یازدهم.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶). حقوق قراردادها: انعقاد، آثار و انحلال. تهران: سمت، چاپ دوم.
- صادقی، محسن و آقاجانی، زهرا (۱۳۸۹). تحلیل اقتصادی اعطای حق استرداد و تعویض کالای سالم به مصرف‌کننده در ایران. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۰(۳)، ۲۰۹-۲۲۸.
- [dor:20.1001.1.25885618.1389.40.3.12.7](https://doi.org/10.1001.1.25885618.1389.40.3.12.7)
- صادقی، محسن و آقاجانی، زهرا (۱۳۹۱). مبحثی از مباحث تحلیل اقتصادی حقوق مصرف‌کننده: فلسفه اقتصادی حق تعویض یا استرداد کالای معیوب و جایگاه آن در حقوق ایران. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۲(۱)، ۱۸۱-۱۹۹.

doi:10.22059/JLQ.2012.29823 dor:20.1001.1.25885618.1391.42.1.11.6

- صفایی، سید حسین (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی. تهران: نشر میزان، چاپ ششم.
- صفایی، سید حسین و دیگران (۱۳۸۷). حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹ ق). عروۃ الوثقی. بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم.
- عدل، مصطفی (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات بحر العلوم، چاپ اول.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۲). فرهنگ علوم اقتصادی (انگلیسی - فارسی). تهران: نشر امیرکبیر، چاپ اول.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی و دیگران (۱۳۹۳). حقوق مدنی: بیع. تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- قاسمی، محسن (۱۳۸۴). جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان. مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۲ (۳۲)، ۱۳۹-۲۲۰.
- doi: 10.22066/cilamag.2005.17987
- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۸۳). فرهنگ کاتوزیان. تهران: نشر دادگستر، چاپ بیست و پنجم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). قواعد عمومی قراردادها (۱). تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.
- کاتوزیان، ناصر (الف ۱۳۸۷). حقوق مدنی عقود معین (معاملات معوض و عقود تملیکی) (۱). تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.
- کاتوزیان، ناصر (ب ۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها (۳). تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر (ج ۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها (۲). تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مسئولیت ناشی از عیب تولید (مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده). تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر (الف ۱۳۹۲). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان، چاپ سی و هشتم.
- کاتوزیان، ناصر (ب ۱۳۹۲). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.
- کیایی، عبدالله (۱۳۸۸). قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره). تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (س)، چاپ دوم.
- مافی، همایون و همکاران (۱۳۹۴). حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد. تهران: مجلد، چاپ دوم.
- ملک‌زاده، فهیمه، احمدلو، مونا (۱۳۹۱). جایگاه عرف در حقوق با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۴(۵۶)، ۱۳۹-۱۶۲.
- [dor: 20.1001.1.24236462.1391.14.56.3.4](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1391.14.56.3.4)
- منتقمی، فروغ (۱۳۸۷). مسئولیت سازندگان و فروشندگان در حقوق ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم.
- موسوی بجنوردی، سید محمد و احمدی، رضا (۱۳۹۱). مفهوم «کالای معیوب» در تحقق خیار عیب در فقه و حقوق با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۴(۵۵)، ۱-۲۴.
- [dor: 20.1001.1.24236462.1391.14.55.1.0](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1391.14.55.1.0)
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی (۶). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.
- موسوی بجنوردی، سید محمد و حسینی نیک، سید عباس (۱۳۹۱). ترجمه مباحث حقوقی تحریر الوسیله. تهران: انتشارات مجلد، چاپ اول.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

- هاپسون، باریه و دیگران (۱۳۸۱). مدیریت خدمت (فرهنگ مشتری مداری). ترجمه مهدی ایران‌نژاد پاریزی، تهران: نشر مدیران، چاپ اول.
- یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۸۵). اصول مشتری مداری. تهران: انتشارات معتمد، چاپ اول.
- یوسف زاده، مرتضی (۱۳۹۲). حقوق مدنی ۶: عقود معین. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.

- Adl, M. (1994). *Civil law*. Tehran: Bahr al- olum Publications, 1st Edition. [In Persian]
- Aghajani, Z. Sadeghi, M. (2010). *The right to exchange and return goods in Iran law with an emphasis on consumer rights*. Tehran: Business Studies and Researches Institute, 1st Edition. [In Persian]
- Al-Kashif Al-Qata, M.H. (1980). *Tahrir al-majaleh*. Tehran: Najah Publications. [In Arabic]
- Ansari, M. & Taheri, M. A. (2009). *Encyclopaedia of Private Law*. Tehran: Jangal Publications, 3rd Edition. [In Arabic]
- Ansari, M. (1990). *Makaseb*. Beirut: al-Noaman Foundation. [In Arabic]
- Bazrpach, H. & Abbasi, A. (2016). *Validity and effects of the terms governing the amount of contractual liability in the law of Iran, England and Turkey*. Tehran: Fekrsazan Publications, 1st Edition. [In Persian]
- Dehkhoda, A.K. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University Press, 2nd Edition. [In Persian]
- Esfahani, M. H. (1998). *Hashie Makaseb*. Beirut: Zulqorba, 1st Edition. [In Arabic]
- Farhang, M. (1993). *Farhang of Economic Sciences (English-Persian)*. Tehran: Amirkabir Publications, 1st Edition. [In Persian]

- Ghassemi, M. (2005). Réparation des dommages contractuels selon la Convention de la vente internationale de marchandises (1980, Vienne) Étude de droit comparé. *International Law Review*, 22(32), 139-220. doi: 10.22066/cilamag.2005.17987
- Ghasemzadeh, S. M. & others. (2014). *Civil law: contract of sale*. Tehran, Mizan publications, 1st Edition. [In Persian]
- Giri, H. N. (1987). *Consumers, Crime and the Law*. New Dehli: Ashish Publishing House.
- Haffman, W. C. Arning Susanne, H. (1994). *Guide to Product Liability in Europe*. Deventer-Boston: Kluwer Law and Taxation Publishers.
- Halabi, A. S. (n.d). *Al-Kafi fi al-feqh*. research by R. Ostadi, Isfahan: Imam Amir al-Momenin School. [In Arabic]
- Hopson, B. & others. (2002). *Service Management (customer-oriented culture)*. translated by M. Irannejad Parizi, Tehran: modiran Publications. 1st Edition. [In Persian]
- Jaberi, E. (2007). *Consumer Rights*. Isfahan: Dadyar Publications, 1st Edition. [In Persian]
- Jafari Langroudi, M. J. (2013). *Intermediate in Legal Terminology*. Tehran, Ganj Danesh, 5th Edition. [In Persian]
- Katouzian Tehrani, M. A. (2004). *Farhang Katouzian*. Tehran: Dadgostar Publication, 25th Edition. [In Persian]
- Katouzian, N. (2005). *Introduction to the science of law and study in Iran's legal system*. Tehran: Publishing stock company, Fortieth Edition. [In Persian]
- Katouzian, N. (2006). *General Rules of Contracts*. Tehran: Publishing stock company, 7th Edition, Vol. 1. [In Persian]
- Katouzian, N. (2007_a). *Civil law of certain contracts (exchange*

- transactions and ownership contracts*). Tehran: Publishing stock company, 10th Edition, vol. 1. [In Persian]
- Katouzian, N. (2007_b). *General Rules of Contracts*(3). Tehran: Publishing stock company, 3rd Edition. [In Persian]
 - Katouzian, N. (2007_c). *Obligations outside the contract* (2). Tehran: Tehran University Press, 8th Edition. [In Persian]
 - Katouzian, N. (2008). *General Rules of Contracts*. Tehran: Publishing stock company, 2nd Edition. [In Persian]
 - Katouzian, N. (2011). *Responsibility due to production defect (a critical and comparative study on the balance of producer and consumer rights)*. Tehran: Tehran University Press, 3rd Edition. [In Persian]
 - Katouzian, N. (2013_a). *Civil law in the current legal order*. Tehran: Mizan Publications, 38th Edition. [In Persian]
 - Katouzian, N. (2013_b). *General Rules of Contracts*. Tehran: Publishing stock company, 7th Edition. [In Persian]
 - Kiaei, A. (2009). *Imam Khomeini's Fatwas and Civil Law*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 2nd Edition. [In Persian]
 - Khomeini, S.R. (2000). *Kitab al-Bai*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st Edition. [In Arabic]
 - Khomeini, S.R. (2001). *Tahrir al-Wasile*. Tehran The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st Edition. [In Arabic]
 - Lookofsky, J. Excerpt from the 1980 United Nations Convention on Contracts for International Sale of Goods, Aritcale 46, Buyer's Right to Require Performance. Available at: www.cisg.pace.edu/cisg./bibilio/L0046/html.

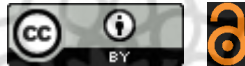
- Mafi, H. & others. (2015). *Uniform rights of the international sale of goods according to the 1980 United Nations Convention*. Tehran: majd, 2nd Edition. [In Persian]
- Malekzadeh, F. & Ahmadloo, M. (2012). Status of Common Sense in Law With Special Reference to Imam Khomeini's Viewpoints. *Matin research journal*, 14(56), 139-163. [dor: 20.1001.1.24236462.1391.14.56.3.4](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1391.14.56.3.4)
- Montaghmi, F. (2008). *Responsibility of manufacturers and sellers in Iran law*. Tehran: Business Studies and Researches Institute, 2nd Edition. [In Persian]
- Moosavi Bojnourdi, S. M., & Ahmadi, R. (2012). The concept of defected goods in materialization of option of defection in Jurisprudence and law: special reference to Imam Khomeini's viewpoint. *Matin research journal*, 14(55), 1-24. [dor:20.1001.1.24236462.1391.14.55.1.0](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1391.14.55.1.0)
- Moosavi Bojnourdi, S. M. & Hosseini nik, S. A. (2012). *Translation of tahrir al- wasileh's legal topics*. Tehran: Majd Publications, First Edition. [In Persian]
- Mousavi Bojnourdi, S. M. (2006). *Collection of jurisprudential, legal, philosophical and social articles (6)*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, First Edition. [In Persian]
- Najafi, M. H. (1983). *Javaher al-Kalam*. Beirut: Dar al-ahia al-Trath al-Arabi, 7th Edition. [In Arabic]
- Rasoq, M. (2011). *Submission of the sale and price and its effects in the Convention on the International Sale of Goods (Vienna 1980) and its compare with jurisprudence, Iran and Syria law*. Tehran: Imam Sadeq University, 1st Edition. [In Persian]
- Sabzevari, M. B. (n.d.). *Kifayat al ahkam*. Isfahan: Sadre Mahdavi School, 3rd Edition. [In Arabic]

- Sadeghi, M. & Aghajani, Z. (2010). Legal and Economic Position of the Rights to Retraction and Replacement of Safe Goods in Iran. *Law Quarterly*, 40(3), 209-228. [doi:20.1001.1.25885618.1389.40.3.12.7](https://doi.org/10.25885618.1389.40.3.12.7)
- Sadeghi, M. & Aghajani, Z. (2012). The economic philosophy of right to replacement and right to retraction of detective goods and their position in Iranian law. *Law Quarterly*, 42(1), 181-199. [doi: 10.22059/jlq.2012.29823](https://doi.org/10.22059/jlq.2012.29823) [dor: 20.1001.1.25885618.1391.42.1.11.6](https://doi.org/20.1001.1.25885618.1391.42.1.11.6)
- Safaei, S. H. (2008). *Preparatory Course of Civil Law*. Tehran: Mizan Publications, 6th Edition. [In Persian]
- Safaei, S.H. & others. (2008). *International Sales Law with a comparative study*. Tehran: Tehran University Press, 2nd Edition. [In Persian]
- Sanhoury, A.R. (1997). *Masader al-haq fi al-Feqh al-Islami*. Beirut: Dar al-ehya al-torath al-Arabi. [In Arabic]
- Schlechtriem, P. (1988). *Commentary on the Un Convention on the Internatinal Sale of Goods*. Translated by G.thomas, oxford unirersity press, 1st Edition.
- Shahidi, M. (2009). *Civil Law (6)*. Tehran: Majd Publications, 11th Edition.
- Shiravi, A. H. (2017). *Law of contracts: Conclusion, effects and termination*. Tehran: Samt, 2nd Edition. [In Persian]
- Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1988). *Urve al- Wosgha*. Beirut: Al-alami Institute, 2nd Edition. [In Arabic]
- White, J. Robert, S. (1980). *Uniform Commercial Code (UCC)*. West Academic Publishing, 2nd Edition.
- [www.Contractor Service.Homedepot.Com/Services/Returnpolicy.\(aspx\)](http://www.Contractor Service.Homedepot.Com/Services/Returnpolicy.(aspx))
- www.Target.Com

- Yahyaei ileei, A. (2006). *Customer Oriented Principles*. Tehran: Motamed Publications, 1st Edition. [In Persian]
- Yusefzadeh, M. (2013). *Civil law 6: Certain contracts*. Tehran: Publishing stock company, 2nd Edition. [In Persian]

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی